

رساله دوم پولس رسول به قرنتیان

معرفی رساله

این رساله را پولس در زمانی به قرنتیان نوشته است که در روابط خود با کلیسای قرنتس مشکلات زیاد داشت.

کسیکه لذت برکت آزادی واقعی در عیسی مسیح را چشیده باشد، او طبیعتاً مایل است که دیگران نیز از این آزادی بهره‌مند شوند و به این خاطر با شوق در مورد آن بشارت می‌دهد. اما متأسفانه این بشارت به آسانی صورت نمی‌گیرد، چون یک تعداد از کسانیکه این بشارت را می‌شنوند، از آن برداشت غلط نموده و اکثراً برای بشارت دهنده مشکلات بوجود می‌آورند. پولس که یک مبشر برجسته بود، در این نامه خود به قرنتیان از این مشکلات سخن می‌گوید.

در کلیسای قرنتس بعضی از اعضا شدیداً بر ضد پولس بر پا خاسته بودند. اما پولس با دقت و تحمل زیاد برای اصلاح روابط خود با آنها کوشش می‌کند. بالاخره تحمل و دقت پولس به ثمر می‌رسد، اعضای کلیسا به اشتباهات خود پی می‌برند و مسائل برای شان روشن می‌گردد. در اخیر این رساله پولس از اینکه زحمت او باعث توبه و اصلاح در بین کلیسا شده، اظهار خوشی می‌کند.

مسیحیان قرنتس با خواندن این نامه تسلی و تشویق فراوان حاصل می‌کنند.

فهرست موضوعها:

مقدمه: فصل ۱:۱ - ۱۱

پولس و کلیسای قرنتس: فصل ۱۲:۱ - ۱۶:۷

هدايا برای مسیحیان یهودیه: فصل ۸ - ۹
دفاع پولس از رسالت خویش: فصل ۱۰: ۱ - ۱۳: ۱۰
خاتمه: فصل ۱۳: ۱۱ - ۱۴

۱ از طرف پولس که به اراده خدا، رسول مسیح عیسی است و از طرف برادر ما تیموتاوس به کلیسای خدا در شهر قرنتس و تمام مقدسین مقیم یونان تقدیم می شود. ۲ فیض و سلامتی از جانب خدا، پدر ما، و خداوند عیسی مسیح، بر شما باد!

پولس در مشکلات خود

۳ سپاس بر خدا، پدر خداوند ما عیسی مسیح که پدری مهربان و سرچشمه آسایش و تسلی است. ۴ او ما را در تمام سختی ها و زحمت های ما آسودگی بخشید، تا ما بتوانیم با استفاده از همان آسایشی که خدا به ما عطا فرمود، کسانی را که به انواع سختی ها گرفتار هستند، آسودگی بخشیم. ۵ همان گونه که ما در رنج های بسیار مسیح شریک هستیم، به وسیله مسیح در آسایش فراوان او نیز شریک هستیم. ۶ اگر زحمات و سختی ها نصیب ما می شود، بخاطر آسودگی و نجات شماست و اگر آسایش در انتظار ماست، این هم باید موجب آسودگی خاطر شما باشد. یعنی وقتی شما هم مثل ما رنج و زحمت می کشید، پُر حوصله و با تحمل باشید. ۷ امید ما به شما استوار است، زیرا می دانیم، چنانکه در رنج های ما شریک هستید، در آسایش ما نیز حصه خواهید داشت.

۸ ما نمی خواهیم از زحماتی که در ایالت آسیا برای ما پیش آمد بی خبر باشید. بارهایی که به دوش ما گذاشته شد، آنقدر گران و سنگین بود که امید خود را به زندگی از دست دادیم. ۹ احساس می کردیم که حکم مرگ ما صادر شده بود. چنین واقع شد تا به خدائی که مردگان را زنده می کند متکی باشیم، نه به خود ما. ۱۰ خدا ما را از خطر مرگ بسیار وحشتناکی رهانید و امید ما باز هم به اوست که بار دیگر ما را رهائی بخشد. ۱۱ شما نیز با دعاهای تان ما را یاری کنید تا وقتی عده بسیاری برکاتی را که خدا به ما داده است ببینند، آنگاه عده بیشتری به خاطر ما خدا را سپاس خواهند گفت.

تغییر نقشه پولس

۱۲ افتخار ما اینست و وجدان ما نیز شاهد است که در مناسبات خود با مردم این دنیا و

مخصوصاً با شما با خلوص نیت و بی‌ریایی خدایی رفتار کرده‌ایم. ما به فیض خدا متکی بودیم، نه به فلسفهٔ دنیوی.^{۱۳} در آنچه نوشتیم، مقصد ما همان است که شما می‌خوانید و می‌فهمید.^{۱۴} و امیدواریم شما همانطور که ما را تا حدی می‌شناسید این چیزها را نیز کاملاً بفهمید تا آخر در روز عیسی خداوند، چنانکه ما به شما افتخار می‌کنیم شما نیز به ما افتخار کنید.

^{۱۵} با چنین اطمینانی بود که تصمیم گرفتیم پیش از همه از شما دیدن کنم تا برکاتی دو برابر به شما برسانم.^{۱۶} یعنی می‌خواستیم هم در وقت رفتن به مقدونیه و هم در مراجعت از آنجا از شما دیدن کنم و در بازگشت با کمک شما، راه یهودیه را در پیش بگیریم.
^{۱۷} آیا این تصمیم من نشان می‌دهد که دچار تردید شده‌ام؟ آیا من هم در نقشه‌های خود مثل مردم این دنیا به اقتضای زمان، بلی یا نخیر می‌گوییم؟^{۱۸} همان‌گونه که سخنان خدا قابل اعتماد است، گفتار ما نیز به شما دو پهلو نمی‌باشد.^{۱۹} زیرا پسر خدا، عیسی مسیح، که من و سیلوانس و تیموتاوس او را به شما اعلام کردیم، هرگز دو دل نبود بلکه بلی او همیشه «بلی» بوده است،^{۲۰} زیرا هر قدر که وعده‌های خدا زیاد باشند همهٔ آن‌ها بطور مثبت در مسیح انجام می‌شوند و به این جهت وقتی خدا را ستایش می‌کنیم به وسیلهٔ مسیح آمین می‌گوئیم.^{۲۱} خدا، ما و شما را در پیوستگی با مسیح استوار نموده و وظیفهٔ مقدسی به ما داده است.^{۲۲} و خدا مَهر مالکیت خود را بر ما گذاشت و روح القدس را به عنوان ضامن همهٔ برکات آینده در دل‌های ما نهاد.

^{۲۳} به جان خود سوگند می‌خورم و خدا را بر این شاهد می‌گیرم که من از آمدن به قرن‌تس به این دلیل خودداری کردم، که مبادا مزاحم شما شوم.^{۲۴} مقصود من این نیست که حاکم بر ایمان شما باشم! نخیر، بلکه ما همکاران واقعی شما هستیم تا شما به خوشی حقیقی مایل شوید، زیرا شما در ایمان پایدار هستید.

^۲ پس در این مورد تصمیم گرفتیم که اگر آمدن من باعث رنجش و اندوه شما شود، دیگر پیش شما نیایم؛^۲ زیرا اگر من شما را برنجانم، دیگر چه کسی باقی می‌ماند که به

من دلخوشی دهد؟ جز همان کسانی که من رنجانیدم!^۳ به این جهت آن رساله را نوشتم تا در وقت آمدن من آن کسانی که باید مرا خوشحال کنند، مایهٔ رنجش و اندوه من نشوند. اطمینان دارم که شادمانی من همهٔ شما را نیز شادمان خواهد ساخت.^۴ من آن رساله را با قلبی بسیار اندوهگین و پریشان و با اشک‌های فراوان به شما نوشتم. منظورم رنجانیدن شما نبود، بلکه می‌خواستم شما را از محبت خاصی که به شما دارم، خاطر جمع سازم.

طلب آموزش برای یک گناهکار

^۵ اگر کسی در میان شما باعث رنجش و اندوه شده است، نه فقط مرا رنجانیده است، بلکه تا حدی همهٔ شما را نیز! (در این مورد نمی‌خواهم بیش از حد سختگیری کنم.)^۶ جزای که اکثر شما نسبت به شخص مقصر روا داشتید، برای او کافی است.^۷ پس اکنون شما باید او را ببخشید و دلداری دهید مبادا غم و اندوه زیاد، او را از پای درآورد.^۸ بنابراین من از شما خواهش می‌کنم که محبت خود را دوباره به او ثابت کنید.^۹ زیرا من آن رساله را نوشتم تا شما را آزمایش کنم. من می‌خواستم ببینم که آیا در هر موردی از تعالیم من اطاعت می‌کنید یا نه.^{۱۰} هرگاه شما کسی را ببخشید، من نیز او را می‌بخشم و اگر لازم باشد که من هم او را ببخشم، باید بگویم که من او را در حضور مسیح و به خاطر شما بخشیده‌ام.^{۱۱} ما نمی‌خواهیم شیطان از این فرصت استفاده کند؛ زیرا ما از نقشه‌های او بی‌خبر نیستیم.

نگرانی پولس و آسودگی خاطر او

^{۱۲} وقتی به ترواس رسیدم که بشارت مسیح را بدهم، فرصت خوبی برای خدمت خداوند داشتم،^{۱۳} اما چون برادرم تیطس را در آن جا نیافتم، فکرم پریشان بود. پس از حضور ایشان رخصت شده، به مقدونیه رفتم.

^{۱۴} سپاس به خدائی که ما را در مسیح، در صف پیروزمندان قرار داده و هدایت می‌کند.

مثل عطر خوشبوی در همه جا پخش می‌شویم تا بوی خوش معرفت خدا را به همه برسانیم.^{۱۵} زیرا ما مانند بُخُور خوشبویی هستیم که مسیح به خدا تقدیم می‌کند و بوی خوش آن هم بین آنانی که نجات می‌یابند و همچنین بین آنانی که هلاک می‌گردند، پخش می‌گردد.^{۱۶} این بو برای کسانی که در راه هلاکت هستند، بوی کشنده‌ای است که مرگ را به دنبال دارد و برای آنهایی که در طریق نجات روانند، بوی زندگی‌بخش می‌باشد. پس کیست که لیاقت این کار و خدمت را داشته باشد؟^{۱۷} ما کلام خدا را نمی‌فروشیم، چنانکه بسیاری می‌کنند، بلکه ما آن را با صمیمیت، مانند کسانی که از جانب خود خدا وظیفه دارند و در حضور او خدمت می‌کنند و در مسیح هستند، بیان می‌کنیم.

خدمتکاران پیام جدید

^۳ شاید بگوئید که ما به خودستایی پرداخته‌ایم! آیا ما مثل دیگران از طرف شما و یا برای شما به سفارش نامه ضرورت داریم؟^۲ بهترین سفارش نامه ما شما هستید، که در دل‌های ما نوشته شده تا تمام مردم آن را بخوانند و بفهمند.^۳ شما مکتوبی هستید که مسیح آن را نوشته و توسط ما به دیگران رسانیده است. این نامه با رنگ و بر روی تخته سنگ نوشته نشده است، بلکه نامه‌ای است که روح خدای زنده بر قلب‌های انسانی نوشته است.

^۴ ما فقط به علت اطمینانی که به خدا داریم، به وسیله مسیح چنین ادعای می‌کنیم.^۵ در خود لیاقتی نمی‌بینیم که بگوئیم ما صلاحیت انجام چنین کاری را داشته‌ایم. نخیر! بلکه لیاقت ما از جانب خداست.^۶ او ما را لایق گردانید که خدمتگذار عهد و پیمان جدید باشیم و این عهد یک سند تحریری نیست، بلکه از روح خداست، زیرا شریعت نوشته شده، انسان را به مرگ می‌کشاند، اما روح خدا زندگی می‌بخشد.

^۷ اگر دوران شریعت که بر سنگ حک شده بود و به مرگ می‌انجامید، با چنان شکوهی

شروع شد که قوم اسرائیل به علت نوری که در صورت موسی می درخشید نتوانستند به چهره او نگاه کنند (هرچند که آن نور رفته رفته ناپدید می شد)،^۸ پس دوره ظهور روح القدس چقدر با شکوه تر خواهد بود.^۹ و اگر دورانی که شریعت مردم را محکوم می ساخت، با چنان شکوهی همراه بود، پس دوره ای که مردم تبرئه می شوند باید چقدر شکوه و جلال بیشتری داشته باشد!^{۱۰} در واقع می توان گفت که دوران پُر شکوه اول، تمام جلوه و جلال خود را در برابر شکوه و جلال بیشتر دوران دوم، از دست داده است.^{۱۱} و اگر آنچه که به تدریج ناپدید می گشت دارای چنین شکوه و جلالی بود، پس آنچه دائمی است، باید دارای چه شکوه بیشتری باشد؟

^{۱۲} چون چنین امیدی داریم، با شجاعت سخن می گوئیم.^{۱۳} ما مثل موسی نیستیم که نقابی بر صورت خویش گذاشت تا قوم اسرائیل پایان آن شکوه زودگذر را نبینند.^{۱۴} ذهن های آن ها کند شده و تا به امروز در موقع خواندن عهد عتیق این نقاب باقی مانده است و برداشته نمی شود، زیرا فقط به وسیله مسیح برداشته خواهد شد.^{۱۵} بلی، تا به امروز هر وقت آن ها تورات موسی را می خوانند، آن نقاب ذهن شان را می پوشاند.^{۱۶} اما همینکه کسی به خداوند روی آورد، آن نقاب برداشته می شود^{۱۷} و در این جا مقصود از کلمه «خداوند»، روح القدس است و هر جا روح خدا باشد، در آنجا آزادی هست.^{۱۸} و همه ما در حالی که با صورت های بی نقاب مانند آئینه ای جلال خداوند را منعکس می سازیم، رفته رفته در جلالی روز افزون به شکل او تبدیل می شویم و این کار، کار خداوند یعنی روح القدس است.

گنجی در کوزه های سفالین

^{۱۴} چون خدا از لطف خود این وظیفه را به ما داده است، مایوس نمی گردیم.^۲ ما از همه روش های پنهانی و ننگین دور شده ایم و هرگز با فریبکاری رفتار نمی کنیم و پیام خدا را تحریف نمی نمائیم، بلکه با بیان روشن حقیقت می کوشیم که در حضور خدا مورد پسند وجدان همه مردم باشیم.^۳ زیرا اگر انجیلی که اعلام می کنیم پوشیده باشد،

فقط برای کسانی پوشیده است که در راه هلاکت هستند.^۴ سردار این دنیا افکار آن‌ها را کور کرده است تا نور انجیل پُر شکوه مسیح را که صورت خدای نادیده است، نبینند.^۵ ما نمی‌خواهیم خود ما مورد توجه قرار بگیریم، بلکه اعلام می‌کنیم که عیسی مسیح، خداوند است و ما به خاطر او خادمین شما هستیم.^۶ زیرا همان خدائی که فرمود: «روشنائی از میان تاریکی بدرخشد»، در قلب‌های ما نیز درخشیده است تا آن نور معرفت جلال خدا که در چهرهٔ مسیح مشاهده می‌شود، بر ما بدرخشد.

^۷ با وجود این، ما چنین گنجی در کوزه‌های سفالین داریم تا معلوم گردد که آن قدرت بزرگ از ما نیست، بلکه از خداست.^۸ از هر طرف تحت فشار هستیم، ولی نمی‌شکنیم؛ گاهی دچار شک و تردید می‌شویم، اما تسلیم ناامیدی نمی‌گردیم.^۹ آزار می‌بینیم، اما هیچ وقت تنها نیستیم. می‌افتیم ولی نابود نمی‌شویم.^{۱۰} بدن‌های فانی ما دائماً داغ مرگ عیسی را با خود دارند تا زندگی عیسی در بدن‌های ما نیز ظاهر شود.^{۱۱} بلی، در تمام دورهٔ زندگی خود همیشه به خاطر عیسی به مرگ تسلیم می‌شویم تا زندگی عیسی در جسم فانی ما ظاهر شود.^{۱۲} پس در حالی که اثرات مرگ در بین ما دیده می‌شود، اثرات زندگی در بین شما مشهود است.

^{۱۳} نوشته شده است: «چون ایمان داشتیم، سخن گفتم.» ما نیز سخن می‌گوئیم، چون ایمان داریم.^{۱۴} زیرا می‌دانیم خدا، که عیسی خداوند را پس از مرگ زنده گردانید، ما را نیز با عیسی زنده خواهد ساخت و با شما به حضور خود خواهد آورد.^{۱۵} این همه به خاطر شماست تا به هر اندازه‌ای که فیض خدا شامل مردم بیشتری شود، شکر و سپاس برای جلال او نیز زیادتر شود.

ایمان، راهنمای ما در زندگی

^{۱۶} بنابراین، امید خود را از دست نمی‌دهیم. اگرچه وجود ظاهری ما رفته‌رفته از بین می‌رود، وجود باطنی ما روز بروز نو می‌شود.^{۱۷} و این رنج و زحمت ناچیز و زودگذر،

جلال عظیم و بی‌پایانی را که غیرقابل مقایسه است برای ما فراهم می‌کند^{۱۸} و در ضمن، ما به چیزهای نادیدنی چشم دوخته‌ایم نه به چیزهای دیدنی، زیرا آنچه به چشم می‌آید موقتی است، ولی چیزهای نادیدنی تا ابد دوام دارند.

۵ زیرا ما می‌دانیم هرگاه این خیمه‌ای که در آن به سر می‌بریم، یعنی این بدن زمینی ما فرو ریزد، خدا عمارتی ابدی که به دست انسان ساخته نشده، در آسمان برای ما فراهم می‌کند.^۲ ما در اینجا برای پناه بردن به خانهٔ آسمانی خود دائماً در آه و ناله هستیم^۳ تا در پناه آن پوششی آسمانی، دیگر برهنه نباشیم.^۴ تا زمانی که در این خیمه به سر می‌بریم در زیر بارهای سنگین ناله و فغان می‌کنیم، اما نه تنها نمی‌خواهیم خیمهٔ فعلی خود را از دست بدهیم، بلکه می‌خواهیم پوششی آسمانی بر آن بیفزائیم تا سرانجام فانی در زندگی غرق شود.^۵ خدا ما را برای همین منظور آماده ساخته است و روح القدس خود را به عنوان ضامن اجرا و نمونهٔ چیزهایی که در انتظار ماست به ما عطا فرموده است.

^۶ پس ما هیچ وقت مأیوس نمی‌شویم، زیرا می‌دانیم که اقامت در این بدن به معنی دوری از حضور خداوند است.^۷ (راهنمای ما در زندگی ایمان ماست، نه آنچه می‌بینیم.)^۸ پس مأیوس نمی‌شویم، چون ترجیح می‌دهیم که این خانهٔ زمینی را ترک کرده و با خداوند در خانهٔ آسمانی زندگی نمائیم.^۹ بنابراین چه در اینجا باشیم و چه در آنجا، فقط یک هدف داریم و آن هم اینست که او را خوشنود سازیم.^{۱۰} زیرا همهٔ ما همانطور که واقعاً هستیم، باید روزی در مقابل تخت داوری مسیح بایستیم تا مطابق آنچه که با بدن خود کرده ایم - چه نیک و چه بد - جزا بیایم.

دوستی با خدا به وسیلهٔ مسیح

^{۱۱} پس چون ما می‌دانیم که معنی ترس از خداوند چیست، کوشش می‌کنیم که مردم را متقاعد سازیم. خدا ما را کاملاً می‌شناسد و من نیز امیدوارم که شما در دل‌های تان ما را خوب بشناسید.^{۱۲} ما نمی‌خواهیم باز از خود تعریف کنیم، بلکه می‌خواهیم دلیلی به شما

بدهیم که به ما افتخار کنید تا بتوانید به کسانی که به ظاهر یک شخص فخر می‌کنند و نه به باطن او، جواب بدهید.^{۱۳} اگر ما عقل خود را از دست داده‌ایم، به خاطر خداست! و اگر عاقل هستیم به خاطر شماست!^{۱۴} زیرا محبت مسیح حاکم بر تمام افکار و اعمال ماست، چون می‌دانیم، اگر یک نفر به خاطر همهٔ انسان‌ها مُرد، یقین است که همه در مرگ او مُردند.^{۱۵} بلی، او برای همه مُرد تا آنانی که زنده‌اند دیگر برای خود زندگی نکنند، بلکه برای او زیست نمایند که به خاطر آن‌ها مُرد و دوباره زنده شد.

^{۱۶} دیگر ما دربارهٔ هیچ‌کس از روی معیارهای انسانی قضاوت نمی‌کنیم، گرچه زمانی ما چنین قضاوتی دربارهٔ مسیح داشتیم، ولی دیگر چنین قضاوتی نداریم.^{۱۷} کسی که در مسیح است، خلقت نو است، هر آنچه کهنه بود درگذشت و اینک همه چیز نو شده است.^{۱۸} اینها همه از طرف خدائی است که به وسیلهٔ مسیح، ما را که قبلاً دشمنان او بودیم به دوستان خود تبدیل کرده است و ما را وظیفه داد که به دشمنان دیگر او هم اعلام کنیم که آن‌ها نیز می‌توانند دوستان او بشوند.^{۱۹} به عبارت دیگر خدا به جای این که گناهان انسان را به حساب آورد، به وسیلهٔ مسیح با دنیا آشتی نمود و پیام این آشتی را به ما سپرده است.

^{۲۰} پس ما سفیرانی از جانب مسیح هستیم و گویی خدا به زبان ما وعظ می‌کند. پس ما به عنوان سفیران مسیح از شما التماس می‌کنیم: با خدا صلح و آشتی کنید.^{۲۱} مسیح کاملاً بی‌گناه بود، ولی خدا به خاطر ما او را گناه ساخت تا ما در پیوستگی با او عدالت خدا شویم.

^{۲۲} پس ما که همکاران خدا هستیم، از شما که فیض خدا را یافته‌اید در خواست می‌کنیم که نگذارید آن فیض در زندگی شما بی‌اثر بماند،^۲ زیرا او می‌فرماید: «در زمان مطلوب به تو گوش دادم، و در روز نجات تو را کمک کردم.»

گوش بدهید! این زمان، زمان مطلوب است و امروز، روز نجات!

^۳ ما نمی‌خواهیم به هیچ صورت باعث لغزش کسی بشویم، مبدا نقصی در خدمت ما یافت شود، ^۴ بلکه می‌خواهیم با هر کاری که می‌کنیم نشان دهیم که خادمان حقیقی خدا هستیم، یعنی با تحمل زحمات و سختی‌ها و دشواری‌ها. ^۵ ما در تازیانه‌ها، حبس‌ها، شورش‌ها، بی‌خوابی‌ها، گرسنگی‌ها و تلاش‌ها و ^۶ همچنین با خلوص نیت، معرفت، صبر و حوصله و مهربانی نشان می‌دهیم که خادمان خدا هستیم. تمام این کارها را با کمک روح القدس و با محبت بی‌ریا ^۷ در اعلام پیام حقیقت و با قدرت خدا انجام می‌دهیم. تنها اسلحه ما، هم در دفاع و هم در حمله، داشتن زندگی پاک و بی‌آلایش است. ^۸ گاه احترام و گاهی بی‌احترامی می‌بینیم. گاه مورد لعن و گاهی مورد ستایش هستیم. ما را اشخاص دروغگو می‌شمارند، حال آنکه راستگو هستیم. ^۹ گمنام ولی در عین حال مشهوریم؛ به حال مرگ افتادیم، ولی هنوز زنده ایم. ما شکنجه می‌بینیم، ولی به قتل نمی‌رسیم. ^{۱۰} غمگین، ولی پیوسته شادمانیم؛ ما چون گدا، فقیر هستیم، ولی در عین حال بسیاری را دولت‌مند می‌سازیم؛ بی‌چیزیم اما دارای همه چیز هستیم.

^{۱۱} ای مردمان قرن‌تس، ما چیزی از شما پنهان نکرده‌ایم؛ بلکه دل‌های خود را برای شما باز کرده‌ایم. ^{۱۲} اگر روابط شما با ما سرد شده است، این از جانب ما نیست، بلکه باید ریشه آن را در دل‌های خود بجوئید. ^{۱۳} آیا شما نباید در مقابل محبت ما همان گرمی را نشان دهید و دل‌های تان را به سوی ما باز کنید؟ (من مانند یک پدر با فرزندان خود سخن می‌گویم.)

هوشدار علیه تأثیر بُت پرستان

^{۱۴} از وابستگی‌های نامناسب با اشخاص بی‌ایمان دوری کنید، زیرا چه شراکتی بین نیکی و بدی است و چه رفاقتی بین روشنائی و تاریکی؟ ^{۱۵} چه توافقی بین مسیح و شیطان وجود دارد و چه هماهنگی بین ایماندار و بی‌ایمان؟ ^{۱۶} و یا چه رابطه بین خانه خدا و

بُتها هست؟ زیرا ما خانهٔ خدا هستیم، چنانکه خدا فرموده است:

«من در ایشان ساکن خواهم بود و در میان آن‌ها به سر خواهم بُرد.

من خدای ایشان خواهم بود و آنها قوم من.»

^{۱۷} و خداوند می‌فرماید:

«از میان آن‌ها خارج شوید و خود را از آنها جدا سازید و به چیزهای ناپاک دست
نزنید و من شما را خواهم پذیرفت.

^{۱۸} خداوند متعال می‌فرماید: من پدر شما خواهم بود و شما پسران و دختران من
خواهید بود.»

^{۱۷} ای عزیزان، این وعده‌ها به ما داده شده است، پس ما چقدر باید خود را از هر
چیزی که جسم و جان ما را آلوده می‌سازد پاک کنیم و با خدا ترسی تقدس خود را به
کمال برسانیم.

شادمانی پوئس

^۲ قلبهای خود را به سوی ما باز کنید. ما نسبت به هیچ کس به ناحق رفتار نکردیم،
اخلاق کسی را فاسد نساختم و فریبکاری نکردیم. ^۳ من نمی‌خواهم با سخنان خود شما
را ملامت سازم، زیرا چنانکه قبلاً گفته بودم، شما آنقدر در نزد ما عزیز هستید که نه
مرگ می‌تواند شما را از ما جدا سازد، نه زندگی. ^۴ من چقدر به شما اطمینان دارم و
چقدر به شما افتخار می‌کنم! و با وجود تمام زحمات و مشکلاتی که داریم، من دلگرمی
و خوشی زیادی دارم.

^۵ مثلاً وقتی به مقدونیه رسیدیم نه تنها نتوانستیم برای رفع خستگی خود کمی استراحت

کنیم، بلکه از هر طرف دچار زحمت شدیم. از یک طرف با دیگران در نزاع بودیم و از طرف دیگر باطناً می ترسیدیم.^۶ اما خدا که به دل شکستگان دلداری می دهد، با آمدن تیطس به ما دلگرمی بخشید.^۷ تنها آمدن او نبود که ما را خوشحال ساخت، بلکه تشویق شما از او نیز در خوشی ما مؤثر بود. او به من گفت که شما چقدر می خواهید مرا ببینید و چگونه از کاری که کرده بودید پشیمان شده‌اید و چقدر اکنون از من دفاع می کنید. این چیزها خوشی مرا بیشتر کرده است.

^۸ با این که نامه من باعث ناراحتی شما گردیده است، من از نوشتن آن پشیمان نیستم. وقتی دیدم که آن نامه باعث رنجش شما شده بود (اگرچه موقتی بود)، تا مدتی از نوشتن آن پشیمان شده بودم،^۹ اما حالا خوشحالم، نه به علت رنجی که دیدید، بلکه به سبب اینکه این غم سبب شد، که شما راه خود را تبدیل کنید. زیرا مطابق اراده خدا شما دچار درد و رنج شدید تا به این وسیله از تنبیه ما کاملاً در امان باشید.^{۱۰} وقتی متحمل چنین رنجی می شوید و آن را اراده خدا می دانید، این باعث توبه و در نتیجه نجات شما می گردد و هیچ پشیمانی به دنبال ندارد، اما درد و رنج دنیوی باعث مرگ می شود.^{۱۱} ببینید، درد و رنجی که مطابق اراده خدا تحمل کرده‌اید چه صفات نیکویی در شما به وجود آورده است: جدیت، دفاع از بی گناهی خویش و ناراحتی در مقابل بی عدالتی‌ها، ترس از شرارت، علاقه و غیرت و تعصب برای به جزا رسانیدن خطاکاران! شما خوب نشان دادید که در تمام جریان بی تقصیر هستید.

^{۱۲} من آن نامه را به خاطر آن شخص ظالم و یا آن مظلوم ننوشتم، بلکه تا بر شما معلوم شود که میزان علاقه و اطاعت شما نسبت به ما در حضور خدا چقدر زیاد است.^{۱۳} بنابراین مخصوصاً وقتی دیدم تیطس، از اینکه همه شما موجب آرامش و آسودگی خیال او شدید، شاد و خوشحال است، ما بسیار دلگرم شدیم.^{۱۴} من پیش او از شما زیاد تعریف کردم و شما آبروی مرا حفظ کردید! بلی، همانطور که سخنان ما درباره شما تماماً راست بود، فخر ما نیز پیش تیطس به حقیقت پیوست.^{۱۵} و هر وقت او اطاعت شما را و آن ترس و لرزی که در زمان ملاقات با او نشان دادید، به یاد می آورد محبتش

نسبت به شما بیشتر می‌شود.^{۱۶} من چقدر خوشحالم که می‌توانم از هر حیث به شما اطمینان داشته باشم.

مهربانی و بخشش مسیحایی

۸ ای برادران، می‌خواهم از آنچه فیض خدا در کلیساهای مقدونیه کرده است، آگاه شوید.^۲ آن‌ها با زحماتی که دیده‌اند سخت آزموده شده‌اند و با وجود این که بسیار فقیر بودند، از خوشی فراوان پُر شده‌اند و نتیجه این خوشی بخشش و سخاوتمندی بی‌اندازه آن‌ها بود.^۳ من، خود شاهد هستم که آن‌ها به اندازه توانائی خود و حتی بیشتر از آن با علاقه به دیگران کمک کردند.^۴ و با اصرار زیاد از ما خواهش کردند که در افتخار رفع نیازمندی‌های مقدسین شریک شوند.^۵ این کار ایشان بیش از توقع ما بود، زیرا اول خود را به خداوند تسلیم کردند و بعد مطابق اراده خدا، خود را در اختیار ما گذاشتند.^۶ پس ما از تیطس که این کار را در میان شما شروع کرده بود، خواستیم که آن را به اتمام برساند.^۷ از این گذشته، چنانکه شما در هر امر دیگری از قبیل ایمان، سخندانی، درک حقیقت، جدیت و محبت نسبت به ما غنی هستید، می‌خواهیم که در این امر خیر هم غنی باشید.

۸ این را به عنوان یک فرمان به شما نمی‌گویم بلکه می‌خواهم با اشاره به جدیت دیگران محبت شما را بیازمایم.^۹ شما می‌دانید که عیسی مسیح، خداوند ما چقدر بخشنده بود. گرچه دولتمند بود، بخاطر شما خود را فقیر ساخت تا شما از راه فقر او دولتمند شوید.

۱۰ در این مورد نظر خود را ابراز می‌کنم: چون شما اولین کسانی بودید که در یک سال پیش نه تنها علاقمند و راغب به کمک دیگران بودید بلکه عملاً این کار را کردید، اکنون به صلاح شماست که به این کار ادامه دهید و تمام کنید.^{۱۱} آن زمان بسیار می‌خواستید که این کار را انجام دهید و اکنون مطابق علاقه خود، با میل این کار را به اتمام برسانید.^{۱۲} اگر کسی واقعاً می‌خواهد کمک کند، خدا هدیه او را نسبت به آنچه

دارد می‌پذیرد، نه مطابق آنچه ندارد.

^{۱۳} مقصودم این نیست که دیگران از زیر بار، شانه خالی کنند و شما بار ایشان را بدوش بگیرید. نخیر! بلکه می‌خواهم این یک عمل متقابل باشد. یعنی آنچه را که شما فعلاً به آن نیازی ندارید، برای رفع نیازمندی‌های آن‌ها بدهید ^{۱۴} تا روزی مازاد ایشان هم نیازمندی‌های شما را رفع نماید و به این وسیله مساوات برقرار می‌شود. ^{۱۵} چنانکه نوشته شده است: «او که زیاد جمع کرد زیادی نداشت، و آنکه اندک اندوخت کم نداشت.»

^{۱۶} خدا را شکر که او شوقی مانند آنچه من نسبت به شما دارم در دل تپس ایجاد کرده است. ^{۱۷} او نه تنها درخواست ما را قبول کرد؛ بلکه با شوق و ذوق و از روی علاقه خود می‌خواست پیش شما بیاید. ^{۱۸} همراه او آن برادری را که در تمام کلیساها به خاطر بشارت دادن انجیل شهرت یافته است، می‌فرستم. ^{۱۹} علاوه بر این، او از طرف کلیساها مقرر شده است که همراه ما باشد و این کار خیریه را برای جلال خدا و به نشانه حسن نیت ما انجام دهید.

^{۲۰} ما با نظارت بر امر جمع‌آوری و توزیع بخشش‌های سخاوتمندانه شما بسیار مراقب هستیم، مبادا کسی بر ما انتقاد کند. ^{۲۱} بلی، می‌کوشیم نه فقط آنچه را که در نظر خداوند درست است انجام دهیم، بلکه آنچه را که مردم نیز می‌پسندند به عمل آوریم.

^{۲۲} برادر خود را که بارها او را آزموده و همیشه او را جدی یافته‌ام با آنها می‌فرستم. او اکنون به سبب اطمینان بزرگی که به شما دارد بیش از پیش شوق دیدن شما را دارد. ^{۲۳} و اما تپس، او در خدمت شما، یار و همکار من است و برادران دیگر هم که با او می‌آیند نمایندگان کلیساها و مایه جلال مسیح هستند. ^{۲۴} بنابراین محبت خود را به ایشان و در ضمن به تمام کلیساها نشان دهید، تا همه بدانند تعریفی که من از شما کرده‌ام، بی‌اساس نبوده است.

جمع آوری پول برای مسیحیان محتاج

۹ در واقع هیچ نیازی نیست که درباره پولی که به عنوان اعانه برای ایمانداران فرستاده می شود برای شما بنویسم،^۲ زیرا می دانم که شما می خواهید کمک کنید. من نزد مردم مقدونیه از شما تعریف کرده ام و گفته ام که برادران ما در یونان از سال پیش تا به حال آماده کمک بوده اند و شوق شما، عده زیادی از آنها را برای این کار برانگیخته است.^۳ اکنون این برادران را پیش شما می فرستم و برای این که تعریفی که ما از شما کرده ایم سخنان بی معنی نباشد، همان طور که من به ایشان قول داده بودم، آماده کمک به آن ها باشید.^۴ وگرنه، اگر اهالی مقدونیه همراه من بیایند و ببینند که پس از آن همه اعتمادی که به شما داشتم، شما آماده کمک نیستید، ما در مقابل آن ها شرمنده خواهیم شد تا چه رسد به شما!^۵ پس لازم دانستم که این برادران را وادار کنم، که قبل از من پیش شما بیایند و هدایای شما را که وعده کرده بودید، قبلاً آماده سازند تا وقتی من به آنجا برسم آن اعانه آماده باشد و معلوم شود که بخشش شما از روی علاقه بوده است و نه به زور.

۶ به یاد داشته باشید: کسی که بذر کم بکارد محصول کم درو خواهد کرد و آنکه دانه بسیار بکارد فراوان درو خواهد نمود.^۷ پس هر کس باید مطابق آن چه در دل خود تصمیم گرفته است، بدهد و نه از روی بی میلی و اجبار، زیرا خدا کسی را دوست دارد که با خوشی می بخشد.^۸ و او قادر است که هر نوع برکتی را به شما عطا فرماید تا همیشه به اندازه کفایت و حتی بیش از آن داشته باشید تا بتوانید با سخاوتمندی در امور خیر و نیکو بذل و بخشش کنید.^۹ چنانکه نوشته شده است:

«خدا با سخاوت به نیازمندان می بخشد و خیرخواهی او تا به ابد باقی است.»

۱۰ خدا که بذر را برای برزگر و نان را برای خوردن فراهم می سازد، بذر بخشندگی را برای شما مهیا و آن را چند برابر خواهد ساخت تا محصول کارهای خیر و نیکوی شما

فراوان باشد.^{۱۱} خدا شما را بسیار غنی می‌سازد تا شما از هر لحاظ سخاوتمند باشید و به این وسیله عده زیادی خدا را برای کاری که ما کرده‌ایم، سپاسگزاری خواهند کرد.
^{۱۲} پس این خدمت ما نه فقط نیازمندی‌های مقدسین را تأمین می‌کند، بلکه موجب سپاسگزاری عده‌ای زیاد از خدا نیز می‌گردد.^{۱۳} این خدمت شما دلیل بر ایمان شماست و مردم خدا را برای آن شکر خواهند کرد. زیرا شما نه تنها به ایمان خود به انجیل مسیح اعتراف می‌کنید، بلکه آن‌ها و دیگران را در آنچه دارید شریک می‌سازید.^{۱۴} و آنها این لطف بزرگی را که خدا به شما کرده است خواهند دید و با محبت و علاقه زیاد برای شما دعا خواهند کرد.^{۱۵} خدا را برای بخشش غیرقابل توصیف او سپاس بگوئیم!

دفاع پولس از رسالت خود

۱۰ اکنون من پولس بخاطر تواضع و ملایمت مسیح، شخصاً از شما درخواست می‌کنم - بلی، همان پولس که بنا به گفته بعضی از شما، پیش روی شما فروتن و ملایم ولی دور از شما گستاخ هستم -^۲ از شما التماس می‌کنم که مرا مجبور نسازید، وقتی با شما هستم با گستاخی با شما رفتار کنم، چون تصمیم گرفتم در مقابل آن‌ها که گمان می‌کنند، ما با انگیزه‌های دنیوی عمل می‌کنیم، گستاخ باشم!^۳ اگر چه ما در این دنیا به سر می‌بریم، اما جنگی که می‌کنیم دنیوی و جسمانی نیست.^۴ اسلحه جنگ ما سلاح‌های دنیایی نیست، بلکه از طرف خدا قدرت دارد تا قلعه‌ها را ویران کند.^۵ ما هر نوع استدلال و هر ادعای تکبرآمیز را که در مقابل معرفت خدا قرار بگیرد از بین می‌بریم و تمام افکار و خیالات را تحت فرمان مسیح در می‌آوریم.^۶ وقتی اطاعت شما نسبت به ما کامل شود، آن وقت کسانی را که نافرمانی می‌کنند، مجازات خواهیم کرد.

^۷ به آنچه در پیش چشمان شما قرار دارد توجه کنید! آیا کسی در میان شما مطمئن است که به مسیح تعلق دارد؟ آن شخص باید قبول کند که ما هم مثل او متعلق به مسیح هستیم.^۸ شاید من درباره اختیاراتی که خدا به من داده است، بیش از اندازه به خود فخر کرده باشم، ولی پشیمان نیستم. زیرا خدا این قدرت و اختیار را برای بنای شما به من

داده است و نه برای خرابی شما! ^۹ فکر نکنید که می‌خواهم با رساله‌های خود شما را بترسانم. ^{۱۰} شاید کسی بگوید: «رساله‌های او سخت و مؤثرند ولی حضور او بی‌اثر و بیانش تعریفی ندارد.» ^{۱۱} این اشخاص خاطر جمع باشند که آنچه را از دور به وسیله نامه می‌نویسم، هر وقت بیایم همان را به عمل خواهم آورد و تفاوتی در بین نخواهد بود.

^{۱۲} البته ما جرأت آن را نداریم خود را با کسانی که خود را اینقدر بزرگ می‌دانند مقایسه کنیم و یا در یک سطح قرار دهیم. وقتی آن‌ها خود را با یکدیگر می‌سنجند و با همدیگر مقایسه می‌کنند، نشان می‌دهند که چقدر احمق هستند! ^{۱۳} و اما ما نمی‌توانیم از آن حدی که برای ما تعیین شده، بیشتر فخر کنیم؛ یعنی به میزان خدمتی که خدا به ما سپرده است و آن شامل خدمت شما نیز می‌شود. ^{۱۴} وقتی ادعا می‌کنیم که کلیسای شما هم در محدوده وظیفه ما قرار دارد از حد خود تجاوز نمی‌کنیم، زیرا ما اولین اشخاص بودیم که انجیل مسیح را به شما رسانیدیم. ^{۱۵} ما از آنچه دیگران در خارج از محدوده وظیفه ما انجام داده‌اند، به خود فخر نمی‌کنیم؛ بلکه امیدواریم که ایمان شما رشد کند و ما بتوانیم دامنه خدمت خود را وسیع‌تر سازیم، ^{۱۶} تا سرانجام بتوانیم انجیل را در کشورهایی که در آن سوی سرزمین شماست، اعلام نمائیم و آن وقت لازم نیست که ما به کاری که قبلاً در حوزه وظیفه شخصی دیگر انجام شده است، فخر کنیم.

^{۱۷} چنانکه کلام خدا می‌فرماید: «هرکه بخواهد فخر کند، به خداوند فخر نماید.» ^{۱۸} زیرا نه آنکه خودستایی کند، بلکه آن که خداوند از او تعریف کند، مورد قبول خدا واقع می‌گردد.

پوئس و رسولان دروغین

۱ ۱ امیدوارم از سخنان من، که تا اندازه احمقانه است ناراحت نشوید، خواهش می‌کنم آن را تحمل کنید! ^۲ علاقه من نسبت به شما، علاقه‌ای است خدایی، زیرا من شما را به عنوان یک دختر پاک‌دامن به عقد مسیح در آورده، به او تقدیم نمودم. ^۳ اما اکنون

می‌ترسم، همان‌طور که حوا به وسیلهٔ زیرکی مار فریب خورد، افکار شما نیز از ارادت و اخلاصی که به مسیح دارید منحرف شود.^۴ زیرا اگر کسی پیش شما بیاید و عیسی دیگری جز آن عیسی را که ما به شما اعلام کردیم، اعلام کند، آیا با خوشحالی او را قبول نمی‌کنید؟ و آیا حاضر نیستید با خوشحالی، روحی غیر از آنچه قبلاً پذیرفته بودید، بپذیرید و یا مژده‌ای غیر از آنچه قبلاً به شما داده شده بود، قبول کنید؟

^۵ گمان نمی‌کنم من از آن رسولان عالی مقام شما کمتر باشم! ^۶ شاید ناطق خوبی نباشم، ولی می‌دانم دربارهٔ چه سخن می‌گویم! ما این را در هر فرصت و هر مورد ثابت کرده‌ایم!

^۷ من انجیل را مفت و مجانی به شما رسانیدم، من خود را حقیر ساختم تا شما سرافراز شوید. آیا با این کار، من مرتکب گناه شدم؟ ^۸ من معاش خود را از کلیساهای دیگر گرفتم و یا به اصطلاح آن‌ها را غارت کردم تا بتوانم مفت به شما خدمت کنم! ^۹ و وقتی با شما بودم، با وجود اینکه به پول احتیاج داشتم، به هیچ یک از شما بار نشدم؛ بلکه وقتی برادران از مقدونیه آمدند، احتیاجات مرا رفع نمودند. من هرگز بر شما بار نشدم و در آینده نیز نخواهم شد! ^{۱۰} چنانکه راستی مسیح در زندگی من است، می‌گویم که هیچ چیز نمی‌تواند مانع فخر من در تمام سرزمین یونان باشد! ^{۱۱} چرا کمک شما را قبول نکردم؟ چون شما را دوست ندارم؟ نه، خدا می‌داند که شما را دوست دارم.

^{۱۲} من به این کار ادامه خواهم داد تا ادعای کسانی را که با غرور می‌گویند رسالت آن‌ها و رسالت ما یک قسم است خنثی سازم. ^{۱۳} زیرا این اشخاص رسولان دروغین و خادمین فریبکار هستند که خود را به شکل رسولان مسیح در می‌آورند. ^{۱۴} این چیز عجیبی نیست، شیطان هم خود را به صورت فرشتهٔ نور در می‌آورد. ^{۱۵} پس اگر خادمین او خود را خدمتگزاران عدالت و نیکویی جلوه دهند، جای تعجب نیست! در عاقبت مطابق اعمال شان جزا خواهند یافت.

زحمات یک رسول مسیح

^{۱۶} تکرار می‌کنم: هیچ کس مرا احمق نداند، ولی اگر درباره من این طور فکر می‌کنید، پس اقلاً مرا مثل یک احمق بپذیرید تا بتوانم کمی به خود افتخار کنم. ^{۱۷} حال از روی غرور و مثل یک آدم احمق از خود تعریف می‌کنم و نه مثل یک مسیحی. ^{۱۸} چون بسیاری به امتیازات دنیوی خویش فخر می‌کنند، من هم می‌خواهم به امتیازات خود فخر کنم. ^{۱۹} شما باید چقدر بافهم باشید که می‌توانید اینطور با افراد احمق مدارا کنید! ^{۲۰} البته اگر کسی شما را به بردگی درآورد، یا استعمار نماید، یا از شما بهره‌برداری کند، یا به چشم حقارت به شما نگاه کند و یا به صورت تان سیلی زند، حتماً ناراحت نخواهید شد! ^{۲۱} با شرمساری باید بگویم که به علت ضعف خود ما بود که نتوانستیم این کارها را انجام دهیم!

اما اگر کسی جرأت کند که به چیزی فخر کند، من کمتر از او نیستم. (گفتم که مثل یک نادان حرف می‌زنم.) ^{۲۲} آیا آن‌ها عبرانی هستند؟ من هم هستم! آیا اسرائیلی هستند؟ من هم هستم! آیا از نسل ابراهیم هستند؟ من هم هستم! ^{۲۳} آیا آن‌ها خادمین مسیح هستند؟ من بیش از آن‌ها او را خدمت کرده‌ام! (باز مثل یک دیوانه حرف می‌زنم.) من بیش از آن‌ها زحمت کشیده‌ام و بیش از آن‌ها در زندان بوده‌ام. دفعات بی‌شمار چوب خورده و چندین بار با مرگ روبرو شده‌ام. ^{۲۴} یهودیان مرا پنج بار و هر بار سی و نه ضربه شلاق زدند، ^{۲۵} و سه بار از رومیان چوب خوردم و یک بار هم سنگسار شدم. سه بار شکسته کشتی شدم و یک شب و یک روز دستخوش امواج بحر بودم. ^{۲۶} در مسافرت‌های خود، با خطر سیل و راهزنان روبرو بودم و از دست یهودیان و غیریهودیان و برادران دروغین در شهر و بیابان و بحر با مرگ روبرو شدم. ^{۲۷} من متحمل سختی‌ها، زحمات، و بی‌خوابی، گرسنگی و تشنگی فراوان شده‌ام و غالباً بدون خوراک و لباس کافی سرمای سخت زمستان را تحمل کرده‌ام. ^{۲۸} از آن گذشته، نگرانی برای تمام کلیساها، باری است که شب و روز بر دوش من است. ^{۲۹} وقتی یکی ضعیف است آیا من در ضعف او شریک نیستم؟ و اگر کسی لغزش بخورد، آیا من آتش نمی‌گیرم؟

^{۳۰} اگر مجبورم فخر کنم، به آن چیزهایی خواهم بالید که ضعف مرا نشان می دهند.
^{۳۱} خدا، پدر عیسی خداوند - تا ابد سپاس به نام او باد - می داند که من دروغ نمی گویم.
^{۳۲} وقتی در دمشق بودم، والی آنجا که از طرف «حارث» پادشاه به این مقام منسوب شده بود، فرمان داد که نگهبانان شهر مرا دستگیر کنند،^{۳۳} اما برادران به وسیله سبیدی از پنجره‌ای که در دیوار شهر بود، مرا پائین فرستادند و از دست او فرار کردم.

رؤیاهای و مکاشفات پولس

۱۲ حتی اگر اینگونه فخر کردن هیچ فایده نداشته باشد، باید به آن ادامه دهم. مثلاً می توانم درباره رؤیاهای و مکاشفاتی که خداوند به من عطا فرمود صحبت کنم.^۲ من شخصی را در مسیح می شناسم که چهارده سال پیش تا به آسمان سوم ربوده شد. (جسماً یا روحاً، نمی دانم، خدا می داند.)^۳ فقط می دانم که این مرد به بهشت برده شد. (نمی دانم جسماً یا روحاً، خدا می داند.)^۴ و چیزهایی شنیدم که آنقدر مقدس و محرمانه است که بیان آن‌ها جایز نیست.^۵ من حاضریم به تجربیات این مرد فخر کنم ولی در خودم هیچ دلیلی برای فخر کردن نمی بینم، مگر در ضعف‌های خود.^۶ اگر بخواهم به خود فخر کنم، مثل یک احمق سخن نخواهم گفت، زیرا هرچه بگویم عین حقیقت است. اما، چنین کاری نخواهم کرد، مبادا کسی بیش از آنچه در من می بیند یا از من می شنود برای من ارزش قایل شود.

^۷ و برای این که به خاطر مکاشفات فوق‌العاده‌ای که دیده‌ام مغرور نشوم، ناخوشی جسمانی دردناکی به من داده شد، که مانند قاصدی از طرف شیطان مرا بکوبد تا زیاد مغرور نشوم.^۸ سه بار از خداوند درخواست کردم که آن را از من دور سازد،^۹ اما او در جواب به من گفت: «فیض من برای تو کافیست، زیرا قدرت من در ضعف تو کامل می‌گردد.» پس چقدر بیشتر با مسرت به ضعف و ناتوانی خود فخر خواهم کرد تا قدرت مسیح مرا فرا گیرد.^{۱۰} بنابراین، من به خاطر مسیح، ضعف‌ها، بی‌حرمتی‌ها، سختی‌ها، آزارها و دشواری‌ها را با آغوش باز می‌پذیرم زیرا در هنگام ضعف، قوی هستم.

نگرانی پولس

^{۱۱} من درست مثل یک احمق حرف می‌زنم، ولی تقصیر شماست. شما باید از من تعریف می‌کردید، زیرا حتی اگر من هیچ به حساب نیایم، باز هم از آن رسولان عالی مقام شما کمتر نیستم. ^{۱۲} علایمی که رسالت مرا ثابت می‌کند با صبر تمام در میان شما ظاهر شد: از جمله آیات و عجایب و معجزات بود. ^{۱۳} از چه لحاظ طرز رفتار من با شما بدتر از کلیساهای دیگر بود، جز اینکه برای خرچ زندگی خود از شما کمک نمی‌گرفتم؟ مرا برای چنین بی‌عدالتی ببخشید!

^{۱۴} اکنون این سومین بار است که حاضرم نزد شما بیایم و قول می‌دهم که به شما بار نخواهم شد، زیرا من شما را می‌خواهم نه پول تان را! فرزندان نباید برای والدین پس انداز کنند، بلکه بر عکس والدین باید در فکر فرزندان خود باشند. ^{۱۵} پس من خوشحال می‌شوم که اموال و حتی جان خود را در راه شما بدهم. اگر من شما را اینقدر دوست دارم، آیا شایسته است که شما مرا کمتر دوست داشته باشید؟

^{۱۶} شما قبول می‌کنید که من بر شما تحمیل نشدم! اما در عوض می‌گوئید که من خیلی چالاک بودم و با حيله شما را فریب دادم! ^{۱۷} چطور؟ آیا من به وسیله کسانی که پیش شما فرستادم، از شما بهره‌ای گرفتم؟ ^{۱۸} من خواهش کردم که تیطس پیش شما بیاید و آن برادر مشهور را با او فرستادم. آیا تیتوس از شما بهره‌ای گرفت؟ مگر من و او به وسیله یک روح هدایت نشدیم؟ مگر هر دوی ما در یک راه قدم نگذاشتیم؟

^{۱۹} شاید گمان می‌کنید که ما در طول این مدت می‌کوشیم پیش شما از خود دفاع کنیم! نخیر، ما در حضور خدا و در پیوستگی با مسیح سخن می‌گوئیم. بلی ای دوستان عزیز، هرچه می‌کنیم برای بنای شماست. ^{۲۰} من از این می‌ترسم که وقتی پیش شما بیایم! شما را غیر از آنچه می‌خواهم بیابم و شما نیز مرا غیر از آنچه می‌خواهید بیابید! بلی، می‌ترسم که در آنجا با نزاع، حسد، تندخوئی، خودخواهی، بدگوئی، سخن چینی و خودپسندی و

هرج و مرج روبرو شوم.^{۲۱} و می ترسم این بار که بیایم خدای من بار دیگر آبروی مرا در حضور شما بریزد، یعنی من برای اشخاصی که گناه کرده اند و از ناپاکی و فساد اخلاقی و اعمال شهوانی خود توبه نکرده اند، اشک خواهم ریخت.

آخرین اخطار و اوامر

۱۳^۱ این بار سوم است که من به ملاقات شما می آیم. «هر موضوعی به گواهی دو یا سه شاهد ثابت خواهد شد.»^۲ می خواهم به شما که در گذشته مرتکب گناه شده اید و به همه اشخاص دیگر اخطار نمایم، همان مطلبی را که در خلال دومین ملاقات خود به شما گفته بودم، اکنون که از شما دور هستم بار دیگر تکرار کنم: این بار که پیش شما بیایم هیچ یک از شما نمی تواند از تنبیه من فرار کند.^۳ در آن صورت شما دلیلی خواهید داشت که مسیح به وسیله من سخن می گوید. او در مناسبات خود با شما ضعیف نیست بلکه قدرت او در میان شما دیده می شود.^۴ اگرچه در ضعف و ناتوانی بر روی صلیب کشته شد، اکنون با قدرت خدا زندگی می کند. ما نیز مثل او جسماً ضعیف هستیم، اما در روابط خود با شما با قدرت خدا در مسیح زیست می کنیم.

^۵ خود را بیازمائید و خود را امتحان کنید تا بفهمید آیا ایمانی که دارید، ایمان حقیقی است یا نه. شما باید تا این موقع دانسته باشید که عیسی مسیح در شماست. (مگر اینکه در امتحان رد شده باشید!)^۶ امیدوارم که شما درک کرده باشید که ما در این امتحان ناکام نشده ایم!^۷ دعای ما در پیشگاه خدا این است که شما از گناه دور باشید، نه برای اینکه خود را قابل قبول معرفی کنیم، بلکه ما می خواهیم اعمال شما راست و درست باشد حتی اگر ما اشخاص مردود معرفی شویم.^۸ ما نمی توانیم بر ضد حقیقت اقدامی کنیم، بلکه فقط برای پیشرفت آن می کوشیم.^۹ ما از اینکه خود ضعیف هستیم و شما قوی، خوشحالیم؛ زیرا دعا می کنیم که شما کامل بشوید.^{۱۰} علت نوشتن این چیزها در وقتی که هنوز از شما دور هستم این است که وقتی به آنجا برسم، مجبور نباشم با شما با خشونت رفتار کنم؛ زیرا هر قدرت و اختیاری که خداوند به من بخشیده است، برای بنا

کردن بود، نه برای خراب کردن.

^{۱۱} در خاتمه، ای برادران، خداحافظ. برای رشد و تکامل خود بکوشید. به آنچه می‌گویم توجه نمائید: با یکدیگر مدارا کنید و در صلح و صفا به سر برید و خدا که سرچشمهٔ محبت و سلامتی است، با شما خواهد بود. ^{۱۲} با بوسهٔ مقدسانه به یکدیگر سلام گوئید. تمام مقدسین به شما سلام می‌رسانند. ^{۱۳} فیض عیسی مسیح خداوند، محبت خدا و مشارکت روح القدس با همهٔ شما باد. آمین.